



An Analysis of the Reciters' Pronunciation of the Word "نزل" with Gemination [Tashdid] and Mitigation [Takhfif] *

Zahra Qasem Nejad ^۱

Abstract

Researching the Quranic reciters' pronouncing of word "نزل" indicates a typical contrast in the pronouncing of this word among the reciters. Some reciters have adopted the mitigation [takhfif], while Ibn A'mir Shami, unlike other reciters, considers one of the principles of his pronunciation to be the semantic difference between these two words and believes that the word "نزل" with gemination [Tashdid] unlike "نزل" with mitigation [takhfif] indicates the meaning of the multiplicity and repetition. For this reason, in cases where the noun has been plural after "نزل" should be pronounced with gemination [tashdid]. The current research has been studied the word "نزل" in lexicon, recitation and interpretations by descriptive-analytical and linguistic methods in order to study the difference between the viewpoints of the reciters of a region in pronouncing a word and its reflection on the sources of linguistics and proving the ijtiḥad of some of seven recitations. The conclusion of the research indicates that the analysis of the difference in recitation of similar verses can strengthen the theory that reciters have had authorities, some of which were in accordance with the certain principles and criteria in recitations, and sometimes difference in recitations has influenced the opinions of lexicographers. In addition, the analysis of the recitation of the reciters of verses similar to the word "نزل", where both pronunciations of mitigation [takhfif] and mitigation [takhfif] were possible, shows that the recitation of Ibn Amir in Sham is in contrast to other recitations; This subject can show the role of intonation and dialect in providing difference in recitations and the reciters' authorities.

Keywords: Quran, Anzala, Nazzala, Nazala, Reciters' Ijtiḥad, Reciters, Recitations.

*. Date of receiving: ۱۵, December, ۲۰۲۰, Date of approval: ۵, July, ۲۰۲۱.

^۱ - The Assistant of Islamic Teachings and theology college of Shiraz university, z _ ghasemi^{۶۲}@yahoo.com.



تحلیل خوانش قاریان در قرائت ماده «نزل» به تشدید و تخفیف*

زهرا قاسم نژاد^۱

چکیده

مطالعه قرائت قاریان در ماده «نزل» نشان می‌دهد، نوعی تقابل در خوانش این واژه بین قاریان وجود دارد. برخی قاریان در قرائت خود وجه تخفیف را برگزیده‌اند، درحالی‌که ابن‌عامر شامی برخلاف سایر قاریان یکی از مبانی قرائی خود را تفاوت معنایی این دو واژه دانسته و معتقد است: ماده «نزل» به تشدید برخلاف «نزل» یا «أنزل» به تخفیف بر تکیه و تکرار دلالت دارد، به همین سبب در مواردی که پس از «نزل» اسم به صورت جمع آمده است، ماده «نزل» را به تشدید خوانده است. نوشتار حاضر به منظور بررسی تفاوت دیدگاه‌های قاریان یک بوم و منطقه در قرائت یک واژه و بازتاب آن بر منابع دانش لغت و اثبات اجتهادی بودن برخی قراءات هفت‌گانه، ماده «نزل» را در لغت، قرائت و تفاسیر به روش توصیفی - تحلیلی و زبان‌شناختی مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه حاصل از پژوهش نشان می‌دهد: تحلیل اختلاف قرائت در آیات مشابه می‌تواند این نظریه را تقویت کند که قراء در قرائت خود اختیاراتی داشته‌اند که برخی از اختیارات آن‌ها در قراءات منطبق بر اصول و ضوابطی خاص بوده است و گاهی اختلاف قرائت بر آراء لغت‌پژوهان اثر داشته است. همچنین تحلیل قرائت قاریان در آیات مشابه ماده «نزل» که امکان قرائت به دو صورت مشدد و مخفف وجود داشته است، نشان می‌دهد: قرائت ابن‌عامر در شام در تقابل با قرائت‌های دیگر است. این موضوع می‌تواند نقش لهجه و گویش در ایجاد اختلاف قراءات و مسئله اختیارات قراء را نشان دهد.

واژگان کلیدی: قرآن، قرائات، أنزل، نزل، نزل، اجتهاد قراء، قاریان.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴.

۱. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز: z_ghasemi۶۲@yahoo.com.

مقدمه

ماده «نزل» ۱۱۸ مرتبه در قرآن کریم به صورت اسم فاعل، اسم مفعول، فعل ماضی و مضارع اعم از مجرد و مزید استعمال شده است. قاریان قرآن کریم در قرائت فعل ماضی و مضارع «نزل» به تخفیف و «نزل» به تشدید دچار اختلاف شده اند. پژوهش پیش رو به این موضوع نظر دارد که چرا خوانش قاریان در تقابل با یکدیگر است؟ و چرا ماده «نزل» یا افعال مشابه که امکان خوانش مخفف و مشدد آن‌ها وجود دارد، قاریان دچار اختلاف رأی و نظر شده اند؟ آیا این مسئله به دیدگاه‌های لغوی بازمی‌گردد، یا آراء مفسران سبب این نوع اختلاف در خوانش شده است؟ ابن عامر تنها قاری است که ماده «نزل» در قرآن کریم را در موارد اختلاف قرائت - اگر اسم پس از فعل «نزل» دلالت بر جمع داشته است، - به صورت مشدد خوانده است. این در حالی است که هیچ قاری همه موارد را مشدد یا مخفف نخوانده است. این فرضیه در اینجا مطرح می‌گردد که ابن عامر با توجه به مبانی و معیارهایی قرائت ماده «نزل» به تشدید را اختیار نموده است؛ که این موضوع حکایت از توجه برخی قراء به اصول و قواعد دارد یا می‌توان بیان نمود، گویش منطقه شام در مواردی که فعل به دو صورت مخفف و مشدد امکان خواندنش وجود داشته است، بدین صورت بوده است. نکته‌ای دیگر نیز در اینجا قابل تأمل است که تنها اختلاف قاریان دیگر غیر از ابن عامر، در قرائت این ماده بر سر تعداد محدودی آیه است که باید دید، چرا در تعدادی از آیات اختلاف قرائت این واژه شدت یافته است؟

بنابراین تحلیل اختلاف قرائت ابن عامر در آیات مشابه می‌تواند دلیل و قرینه‌ای بر رد نظر اهل سنت باشد که همه وجوه قرائی را وحی می‌پندارند. گرچه امروزه در منابع قرائی ما دلیل یا قرینه قطعی وجود ندارد که هر یک از قاریان هفت‌گانه یا غیر آن با توجه به ضوابط خود، قرائتی را اختیار کرده باشند و عنایت آن‌ها بیشتر به نقل قراءات بوده تا تدبیر و درایت در آن؛ اما پژوهش‌هایی به این سبک که به تحلیل اختلاف قرائت در آیات مشابه می‌پردازد، می‌تواند دلیل و قرینه‌ای بر اختیار قرائت قاری بر اساس درایت و تدبیر در آیات باشد. البته در این سنخ از تحقیق که اختلاف به قاری برمی‌گردد، نه به وحی، باید به علت و منشأ پیدایش اختلاف نیز پی برد. در نگاه اول به نظر می‌رسد، منشأ اختلاف به منابع لغوی برمی‌گردد، یا منشأ اختلاف به گویش‌های منطقه‌های جغرافیایی ارتباط دارد؛ به همین سبب در نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و زبان‌شناختی به پنج موضوع پرداخته می‌شود:



۱. ماده «نزل» به تشدید و تخفیف در منابع لغت؛
۲. ماده «نزل» به تخفیف و تشدید در منابع نحوی؛
۳. فعل «نزل» به تخفیف و تشدید در کلام مفسران؛
۴. بازتاب اختلاف زبان‌شناختی «نزل» به تخفیف و تشدید در دانش قراءات؛
۵. تحلیل آراء لغت‌پژوهان، قاریان و مفسران قرآن کریم.

پیشینه تحقیق

پس از مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی و شماره‌های مختلف مجلات علمی - پژوهشی، نوشتاری که از این حیث و با این فرضیه‌ها به پژوهش پرداخته باشد، وجود ندارد؛ در تفاسیر و منابع قرائی نیز این مطلب به صورت مختصر و پراکنده ذکر شده است. همچنین در بیشتر تفاسیر، به اختلاف قرائت و حوزه‌های معنایی این کلمه به صورت تحلیلی و تبیینی پرداخته نشده است. مطالعه منابع احتجاج قراءات نیز در ذیل آیاتی که واژه «نزل» در آن به کار رفته است، تنها اختلاف قرائت و دلیل اختیار قرائت قاری را که معمولاً به کلمه بعد بازمی‌گردد، نشان می‌دهد. قابل ذکر است که هیچ‌یک از کتاب‌های قرائی به تحلیل قرائت قاری در آیات مشابه نپرداخته‌اند و شاید این پژوهش در این راستا پیشرو باشد که با تکیه بر تحلیل آیات مشابه به تأیید ورد برخی از نظریات می‌پردازد.

نوآوری این پژوهش از این حیث است که برای ابطال مبنای وحیانی نبودن قراءات سبعة سعی در رد روایاتی که در این زمینه مطرح شده است، ندارد و تنها با تکیه بر تحلیل قرائت قاری در آیات مشابه نشان می‌دهد، برخی از قراء در قرائت خود دارای مبنای خاصی بوده و بر این اساس به اختیار یک وجه پرداخته‌اند و اگر هم مبنای خاصی نداشته‌اند، خوانش آن‌ها بر اساس قرائت منطقه خود بوده است و شاید به همین دلیل است که در این قبیل آیات قرائت ابن‌عمر با کسایی و حمزه و ابوعمر و در تقابل است.

۱. ماده «نزل» به تشدید و تخفیف در منابع لغت

در دانش لغت ماده «نزل» به معنای فرود آمدن ذکر شده است و آنچه در معاجم پیرامون آن اختلاف وجود دارد، ماده «نزل» از باب تفعیل و افعال است. صاحب‌العین، پایین آمدن، فرود آمدن، بر زمین نشستن را معنای اصلی این ماده می‌داند: «و نَزَلَ فلان عن الدابة، أو من علو إلى سفلى» (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹ ق: ۷/ ۳۶۷). در اولین فرهنگ لغت این موضوع قابل توجه است که فراهیدی

بین ماده «نزل» از باب تفعیل و «أنزل» از باب افعال تفاوتی قائل نیست و هیچ اشاره‌ای به «أنزل» از باب افعال نمی‌کند. ابن درید «أنزل» و «نزل» از باب تفعیل را به یک معنا می‌داند و آنچه در بیان معنای آن‌ها به کار می‌برد، این است که «أنزل» و «نزل» به معنای به ترتیب و پشت هم آمدن چیزی است: «أنزل الله عز وجل الكتاب إنزالاً و نزله تنزیلاً شيئاً بعد شیء» (ابن درید، جمهرة اللغة، ۱۴۲۶ق: ۲۱۵). از نگاه فراهیدی و ابن درید بین باب افعال و تفعیل این واژه تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

أزهري (م ۳۷۰ ق)، «نزل» را به معنای فرود آمدن، تنزل کردن و وارد شدن می‌داند و «أنزل» را به معنای وارد شدن دانسته است (أزهري، تهذيب اللغة، ۱۹۶۷ م: ۱۳/۱۴۴). صاحب بن عباد (۳۸۵ ق) نیز «نزل» و «انزل» را یکسان معنا کرده و آن را به معنای پایین آمدن و فرود آمدن می‌داند (صاحب بن عباد، المحيط في اللغة، ۱۴۱۴ ق: ۵۵/۹). ابوهلال (م ۳۸۲ ق)، در بیان معنای واژه سخنی را بیان نمی‌کند و تنها به تفاوت بین نزول و هبوط می‌پردازد (ابوهلال عسکری، معجم الفروق اللغوية، ۱۴۲۱ ق: ۱/۳۲۱). جوهری (۳۹۳ ق) نیز می‌نویسد: «انزل» از باب افعال و «تنزيل» از باب تفعیل به یک معنا هست و آن را به معنای وارد شدن و پی‌درپی بودن چیزی می‌داند (جوهری، الصحاح، بی‌تا: ۱۸۲۹/۵). ابن فارس (م ۳۹۵ ق) معتقد است: «نزل» به معنای پایین آمدن و فرود آمدن است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة ۱۴۲۰ ق: ۵/۴۱۷). راغب (م ۵۰۲ ق)، در بیان معنای واژه «نزل» و «انزل» معتقد است که اصل معنا دلالت بر فرود آمدن و پایین آمدن دارد و واژه «تنزيل» در جایی که آیه بدان اشاره کند، به معنای نزول تدریجی است که اختصاص به چیزی دارد که جداجدا و پی‌درپی نازل شده باشد و واژه «انزال» عام و فراگیر است و این عام بودن به این معناست که «انزال» هم در معنای نزول تدریجی به کار می‌رود و هم در معنای نزول دفعی و یک‌باره؛ مانند آیه «فَإِذَا أَنْزَلْتُ سُورَةً مُحَكَّمَةً» (محمد/۲۰)؛ که «انزال» به معنای نزول تدریجی است و همچنین در عبارت «لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةُ» (محمد/۲۰)؛ نیز به معنای نزول تدریجی است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۲/۳۱۴). آنچه راغب اصفهانی در بیان این دو واژه می‌گوید، نشان می‌دهد که برای اولین بار راغب اصفهانی بین باب افعال و تفعیل این واژه تفاوت قائل شده است.

ابن سیده، هر دو واژه «نزل» و «انزل» را به یک معنا می‌داند و در توجیه سخن خود به قرائت ابن مسعود نیز اشاره کرده و می‌نویسد: «لا فرق عندي بين «نزلت» و «انزلت» الا صيغة التثنية في «نزلت»، و في قراءة ابن مسعود: «وَأَنْزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا» (الفرقان/ ۲۵)؛ لأن أنزل كنزل» (ابن سیده، المحکم و المحيط الاعظم، ۱۴۲۱ ق: ۳/۵۴۲). زمخشری (۵۳۸) نیز بین این دو واژه تفاوتی ذکر نمی‌کند



(زمخشری، اساس البلاغة، بی تا/ ۶۲۸). ابن اثیر (۶۰۶) نیز مانند زمخشری به تفاوت معنایی دو واژه اشاره‌ای نمی‌کند (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث والأثر، ۱۳۶۷ ش: ۲۳۵).

ابن منظور (م ۶۳۰ ق) آورده است که «نزل» در باب افعال و تفعیل به یک معنا است: «وَتَنَزَّلَهُ وَأَنْزَلَهُ وَنَزَّلَهُ بِمَعْنَى»، وی سخنی را از سیبویه می‌آورد که از قول ابوعمر و گفته است: بین نَزَلَتْ و أَنْزَلْتُ (باب تفعیل و افعال) تفاوت است؛ اما ابوعمر و تفاوت را بیان نمی‌کند و در ادامه ذکر می‌کند: «قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: لَا فَرْقَ عِنْدِي بَيْنَ نَزَلَتْ وَأَنْزَلْتُ إِلَّا صِغَةَ التَّكْثِيرِ فِي نَزَلْتُ فِي قِرَاءَةِ ابْنِ مَسْعُودٍ: وَأَنْزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۹/۲۳۱).

فیومی (۷۷۰)، نیز می‌نویسد: «نزل» در باب افعال، تفعیل و استفعال به یک معنا است و تمامی این واژه‌ها به معنای انزال از باب افعال است: «نزلت به» و «أَنْزَلْتَهُ» و «نَزَّلْتَهُ» و «استنزلته» بمعنی «أَنْزَلْتَهُ» (فیومی، المصباح المنیر، ۱۴۱۴ ق: ۶/۲۵۴). طریحی هم در بیان معنای این دو واژه تفاوتی را ذکر نکرده است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۰۸ ق: ۸/۴۶۱).

زبیدی (م ۱۲۰۵ ق)، پس از راغب اصفهانی بین دو واژه «نَزَّلَ» و «انزل» تفاوت اساسی قائل شده است و «نَزَّلَ» را به معنای نزول تدریجی و «انزال» را به معنای نزول دفعی می‌داند: «التنزیل تدریجی و الإنزال دفعی كما فی أكثر الحواشی الكشفیة و البیضاویة» (حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ ق: ۹/۲۱۵).

با توجه به آراء لغت‌پژوهان، فقط زبیدی و راغب اصفهانی تفاوت اساسی بین ماده «نزل» در تشدید و تخفیف قائل شده‌اند؛ درحالی‌که سایر لغت‌پژوهان بین تشدید و تخفیف این واژه تفاوت معنایی خاصی را قائل نشده‌اند؛ اما یک نکته در لسان العرب وجود دارد که نکته ظریفی است و متناسب با این بحث می‌توان به نتیجه رسید. وی سخنی را از سیبویه می‌آورد که از قول ابوعمر و گفته است: بین نَزَلَتْ و أَنْزَلْتُ (باب تفعیل و افعال) تفاوت است؛ اما ابوعمر و تفاوت را بیان نمی‌کند؛ و در ادامه ذکر می‌کند: «قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: لَا فَرْقَ عِنْدِي بَيْنَ نَزَلَتْ وَأَنْزَلْتُ إِلَّا صِغَةَ التَّكْثِيرِ فِي نَزَلْتُ فِي قِرَاءَةِ ابْنِ مَسْعُودٍ: وَأَنْزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۹/۲۳۱). این سخن نشان می‌دهد، یکی از منابع لغت‌پژوهان، آراء قاریان قرآن کریم است و دانش قرائت منبع اصلی برای اظهارات منابع و معاجم لغوی بوده است و این‌که ابن منظور دقیقاً به ابوعمر و اشاره دارد، نشان می‌دهد که حساسیت بحث نزد ابوعمر و در قرائت این ماده وجود داشته است که این موضوع باید در بحث قرائت قاریان لحاظ گردد و

قرائت ابوعمر و به خوبی تشریح شود. از سویی چون به سیویه نیز اشاره شده است، باید دید تفاوت ماده به تخفیف و تشدید یا باب تفعیل و افعال در منابع نحوی به چه صورت است؟

۲. ماده «نزل» به تخفیف و تشدید در منابع نحوی

برای «فَعَل» به تشدید «عین» کاربردهای متعددی ذکر شده است که مهمترین آن‌ها تکثیر است؛ یعنی زیاد انجام دادن کاری. برای مثال «جَوَل» به معنای بسیار مسافرت کردن است. از دیگر کاربردهای این باب، تعدیه است؛ مثل: «فَرَحْتَهُ»؛ یعنی او را شاد کردم. از کاربردهای دیگر این باب، سلب است؛ «جَلَدْتَهُ»، یعنی پوستش را از تنش جدا کردم. البته گاهی این باب معنای همان «فَعَل»، به تخفیف عین را دارد؛ برای نمونه فعل «زَيَّل» به معنای همان «زال»؛ یعنی جدا کرد (أسترآبادی، شرح شافیه ابن الحاجب، ۱۹۸۲ م: ۹۲)؛ اما اغلب علمای صرف کاربرد اصلی «فَعَل» را «تکثیر» می‌دانند؛ یعنی زیاد انجام دادن کاری توسط فاعل. درباره کاربرد «فَعَل یَفْعَل» به فتح «عین» در ماضی و مضارع کاربرد خاصی ذکر نشده است. أسترآبادی به صراحت ذکر کرده که این باب کاربرد خاصی ندارد (أسترآبادی، ۱۹۸۲ م: ۶۷-۹۲).

۳. فعل «نزل» به تخفیف و تشدید در کلام مفسران

به منظور تبیین دقیق اختلاف قرائت در ماده «نزل» به تخفیف و تشدید و یا اختلاف بین باب تفعیل و افعال باید دید تفاسیر فریقین چه برداشتی از این اختلاف قرائت داشته‌اند. تفاسیر قرن اول، دوم، سوم و چهارم به بحث لغوی و زبان‌شناختی واژه «يَنْزِلُ» به تشدید و تخفیف پرداخته‌اند و اشاره‌ای به اختلاف قرائت موجود در آن نکرده‌اند.

در قرن چهارم، سمرقندی در تفسیر «بحر العلوم» بحث اختلاف قرائت را مطرح کرده است. وی ابتدا به اختلاف قراء در قرائت واژه مذکور اشاره کرده و معانی هر دو وجه از وجوه قرائی را به یک معنا می‌داند؛ «قرأ ابن کثیر و ابوعمر و أن يُنزلَ الله» بالتخفیف و قرأ حمزه و الکسائی و عاصم و ابن عامر بالتشدید، أن يَنْزِلُ و نَزَلَ يَنْزِلُ بمعنى واحد» (سمرقندی، بحر العلوم، بی‌تا: ۵۶۷/۲). در تفاسیر قرون بعد هیچ نکته جدیدی در بحث قرائی و زبان‌شناختی واژه «يَنْزِلُ» به تشدید و تخفیف دیده نمی‌شود، جز آن‌که به نقل آراء گذشتگان بسنده کنند.

در تفاسیر معاصر نیز اگرچه این بحث چندان جدی دانسته نشده و تنها به نقل اختلاف قرائت بسنده کرده‌اند و یا در برخی موارد حتی به اختلاف قرائت هم اشاره‌ای نکرده‌اند؛ اما صاحب المیزان به



بیان تفاوت معنایی دو واژه می‌پردازد: وی با اشاره به آیاتی مانند: ﴿وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾؛ (اسراء/۱۰۶)، ﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ﴾ (نساء/۱۵۳)؛ و ﴿لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ﴾ (انعام/۳۷)؛ «نَزَّلَ» از باب تفعیل را به معنای «نزل تدریجی» و «أُنْزِلَ» از باب افعال را به معنای نزول دفعی می‌داند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱۳/۲۲۱) که این نظریه نیز خود جای نقد و بررسی دارد.

۴. بازتاب اختلاف زبان‌شناختی «نزل» به تخفیف و تشدید در دانش قراءات

تفاوت معنایی که در برخی کتب لغت برای واژه «نزل» به تخفیف و تشدید بیان شده، در قرائت قراء سبعه نیز به چشم می‌خورد و سبب اختلاف قرائت شده است. برخی از قراء فعل «نزل»، «نَزَّلَ» و «أُنْزِلَ» را به یک معنا دانسته‌اند؛ اما افرادی چون ابن‌عامر معتقد به تفاوت معنای «نزل»، «نَزَّلَ» و «أُنْزِلَ» هستند و تفاوت معنایی این سه واژه در واقع از اصول و مبانی است که ابن‌عامر در خوانش این واژه‌ها به آن توجه داشته است. وی مبنای خود در قرائت ماده «نزل» را توجه به تفاوت معنایی ماده «نزل» به تخفیف و تشدید دانسته و هرکجا واژه پس از نزل جمع بوده است، این ماده را در قرآن کریم به صورت مشدد تلاوت کرده است. این مسئله نه تنها در قرائت ماده «نزل» دیده می‌شود، بلکه در سایر مواردی هم که امکان خوانش به تخفیف و تشدید وجود دارد، دیده می‌شود که ابن‌عامر با سایر قراء دچار اختلاف شده است و قرائت او متفاوت از سایر قراء است. گزارشی از ماده «نزل» در قرآن می‌تواند مسئله قرائت قاریان را به خوبی تبیین نماید.

برای تبیین قرائت قاریان در ماده «نزل»، اولین قاری که قرائت او قابل تأمل بود، قرائت ابن‌عامر است. او در همه موارد، فعل مضارع، ماضی و اسم فاعل و مفعول از این ماده را به صورت مشدد قرائت کرده است و این خود جای بحث و بررسی دارد که چرا وی بدین صورت قرائت کرده است. تحلیل موارد دیگر غیر از ماده «نزل» نیز نشان می‌دهد، او در کلماتی که امکان خوانش به صورت تخفیف و مشدد وجود دارد، دارای یک مبنا است و در کل قرآن از این مبنای خود عدول نکرده است. از منظر ابن‌عامر کلماتی که به دو صورت تخفیف و تشدید خوانده می‌شوند، در صورتی که مفهوم عبارت و اسم پس از آن دلالت بر جمع، تکثیر و یا تدریج داشته باشد، به صورت مشدد خوانده می‌شود. وی در قرائت ماده «فتح» در قرآن کریم کاملاً به این مسئله پایبند بوده است. به عنوان مثال در آیه ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ (انعام/۴۴)؛ برخلاف سایر قاریان هفت‌گانه، فعل را به صورت مشدد خوانده است؛ زیرا واژه پس از آن (أبواب) جمع است. در ماده

«صدق» هم این قاعده را رعایت کرده است. وی در آیه شریفه «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا قَرِيفًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سبأ/۲۰)؛ برخلاف سایر قراء، فعل «صدق» را به صورت مخفف قرائت کرده است؛ زیرا فاعل فعل (ابلیس) مفرد است؛ اما همین فعل را در آیه کریمه: «بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ» (صافات/۳۷)؛ مانند سایر قراء به صورت مشدد خوانده است؛ زیرا اسم پس از آن (الْمُرْسَلِينَ) جمع است و تشدید دلالت بر تصدیق تک تک مرسلین دارد؛ اما در قرائت ماده «نزل» اتفاقی رخ داده است که ابن عامر همه موارد فعلی و اسمی را به صورت مشدد قرائت کرده است که شاید در ابتدا این تصور را ایجاد کند که او تشدید را بر تخفیف در قرائت این ماده ترجیح داده و بر مبنای خود در قرائت تشدید و تخفیف واژه عدول کرده است. مطالعه تمامی مواردی که ماده «نزل» در قرآن کریم استعمال شده است، نشان می دهد، ماده «نزل» در همه موارد دلالت بر تکثیر و تدریج دارد و گاهی هم که به خداوند متعال استناد می یابد، دلالت بر تعظیم خداوند دارد؛ بنابراین او به صورت مشدد خوانده است تا تعظیم، تکثیر و تدریج موجود در ماده «نزل» را انتقال دهد.

در بحث قرائت سایر قاریان قرآن کریم نکته قابل توجه، تفاوت قرائت آن ها در اسم و فعل این ماده است. برای تبیین بهتر قرائت سایر قاریان باید قرائت قاریان در اسم و فعل ماده «نزل» را از هم جدا کرد. حمزه، کسایی و ابوعمر و از قاریانی هستند که آنچه را به صورت اسم فاعل و مفعول از ماده «نزل» در قرآن به کار برده است، به صورت مخفف قرائت کرده اند؛ برخلاف ابن عامر که همه را مشدد خوانده است. در آیه شریفه: «إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ» (آل عمران/۱۲۴). ابن عامر تنها قاری است که به تشدید خوانده است. بنا بر قرائت ابن عامر «منزّلین» اسم مفعول از باب تفعیل است؛ اما سایر قراء آن را به تخفیف؛ یعنی اسم مفعول از باب افعال خوانده اند.

ابن خالویه می نویسد: «بنا بر اعتقاد برخی أنزل و نزل مانند أكرم و كرم به یک معنا است» (ابن خالویه، الحجة فی القراءات السبع، ۱۴۱۳ ق: ۱/۱۱۸). منابع احتجاج قراءات علت قرائت مشدد این واژه توسط ابن عامر را ابلغ بودن تشدید و دلالت تشدید بر تکرار و مداومت می دانند (همان: ۱۱۳/۱). با توجه به این که ابن عامر تشدید را دلالت بر تکثیر می داند، در اینجا نیز واژه «منزّلین» مربوط به نزول ملائکه است که تشدید دلالت بر تکثیر و تعظیم ملائکه دارد. یا برخی معتقدند، تشدید دلالت بر تکثیر یا تدریج دارد (بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸ ق: ۲/۳۷). البته تفاسیر در بحث اختلاف قرائی وارد نشده اند، یا این که بسیار موجز تنها به اختلاف قرائت اشاره کرده اند



(ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۲۲ ق: ۱/ ۳۲۰؛ نووی، مراح لیبید لکشف معانی القرآن المجید، ۱۴۱۷ ق: ۱/ ۱۵۴).

همچنین در آیه «إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (عنکبوت/۳۴)؛ تنها ابن عامر «منزلون» را با تشدید خوانده است. ابن خالویه علت تشدید را منسوب بودن فعل به خداوند دانسته است (ابن خالویه، الحجة فی القراءات السبع، ۱۴۱۳ ق: ۲/ ۱۸۸). بغوی در تفسیر خود علت تشدید در قرائت ابن عامر را تکرار و مداومت می‌داند (بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰ ق: ۳/ ۵۵۶). برخی هم هر دو قرائت را به یک معنا دانسته‌اند (سمرقندی، بحر العلوم، بی‌تا: ۲/ ۶۲). البته وجه مشدد خواندن ابن عامر در این آیه شریفه کاملاً روشن است؛ زیرا ماهیت عذاب در این آیه مجموعه‌ای از سنگریزه‌هاست که همچون باران به صورت مداوم و مکرر نازل شده است.

در آیه کریمه «أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتْبَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (انعام/ ۱۱۴)؛ هم تنها ابن عامر به صورت مشدد خوانده است.

نافع نیز در قرائت اسم فاعل و مفعول ماده «نزل» مانند ابوعمر و کسایی و حمزه همه موارد را به تخفیف قرائت کرده، تنها در خوانش آیه «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنْزِلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (مائده/ ۱۱۵)؛ با ابن عامر هماهنگ شده و به تشدید قرائت کرده است (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۹۸۸ م: ۱/ ۱۶۵). ابن کثیر نیز در قرائت اسم فاعل و مفعول روند واحدی نداشته و در بیشتر موارد به تشدید خوانده است، ولی در «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنْزِلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (مائده/ ۱۱۵)؛ و «أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتْبَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (انعام/ ۱۱۴)؛ و «إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيكُم أَن يَمْدَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ» (آل عمران/ ۱۲۴)، به صورت مخفف خوانده است؛ اما عاصم تنها قاری است که بین قرائت شعبه و حفص دو راوی وی اختلاف است. شعبه و حفص همه موارد اسمی را به صورت تخفیف خوانده‌اند، مگر آن‌که شعبه همچون نافع تنها آیه ۱۱۵ سوره مائده را به تشدید خوانده است (ابن جزری، تحبیر التیسیر فی قراءات الأئمة العشرة، ۱۴۰۴ ق: ۱/ ۳۵۳)؛ و حفص علاوه بر آیه ۱۱۵ مائده، آیه ۱۱۴ سوره انعام را هم مشدد خوانده است (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۹۸۸ م: ۱/ ۱۶۵).

بنابراین همه موارد اسمی ماده «نزل» را قراء هفت‌گانه برخلاف ابن عامر به صورت مخفف

خوانده‌اند؛ تنها در قرائت آیات ﴿قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ (مائده/۱۱۵)؛ و ﴿أَفَعَيِّرُ اللَّهَ أَتُبْنِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (انعام/۱۱۴)؛ و ﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۴)، بین قاریان اختلاف رأی و نظر وجود دارد. در این میان اختلاف بر سر واژه «منزلها» در آیه ۱۱۵ سوره مائده بیشتر است؛ تا آنجا که علامه طباطبایی نیز در تفسیر خود به این موضوع پرداخته‌اند. ابن‌عاصم به این علت مشدد خوانده است که مائده آسمانی از سوی خداوند نازل شده است و تشدید دلالت بر تعظیم دارد. مظهری معتقد است: تشدید در اینجا از باب تفعل دلالت بر تکثیر دارد (مظهری، تفسیر المظهری، ۱۴۱۲ ق: ۳/۲۰۵)؛ اما دلیل دیگر قراءه که مشدد خوانده‌اند، واژه های «أَنْزَلَ» و «نَزَلَ» است که هر دو به یک معناست و به جای هم نیز استعمال می‌شوند (ابوعلی فارسی، الحجة للقراء السبعة، ۱۴۰۴ ق: ۳/۲۸۲). آلوسی هر دو باب افعال و تفعل را به یک معنا دانسته است (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵ ق: ۴/۵۹).

طرفداران قرائت «مُنَزِّلُهَا» به تخفیف، سیاق آیات را دلیل اختیار قرائت خود دانسته و می‌گویند: در قرائت به تخفیف کلمه «مُنَزِّلُهَا» با فعل امر «أَنْزَلَ» در آیه قبل ﴿قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (مائده/۱۱۴)، تناسب دارد؛ زیرا هر دو از باب افعال هستند (ابن ابی مریم، الموضح فی وجوه القراءات وعللها، ۱۴۱۴ ق: ۱/۴۶۵)؛ مکی بن ابی طالب، الکشف عن وجوه القراءات السبع وعللها وحججها، ۱۴۰۴ ق: ۱/۳۲۶). علامه طباطبایی نیز در باب ترجیح یک وجه قرائی بر وجه دیگر وارد سخن شده و می‌نویسد: «اهل مدینه و شام و همچنین عاصم، کلمه «منزلها» را با تشدید خوانده‌اند و سایر قراء به طوری که مجمع‌البیان گفته است، بدون تشدید قرائت کرده‌اند، به نظر می‌رسد، بدون تشدید با قواعد موافق‌تر باشد؛ زیرا انزال دلالت بر نزول دفعی دارد و مائده هم دفعتاً نازل شده، نه به تدریج، به خلاف تنزیل که دلالت بر نزول تدریجی دارد» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۶/۲۳۶). آنچه را علامه در توجیه ترجیح یک وجه قرائی مطرح می‌کند، مطلبی است که تنها خود آن را ذکر نموده است؛ زیرا تنها علامه است که انزال را نزول دفعی و تنزیل را نزول تدریجی دانسته و از این منظر به ترجیح یک وجه قرائی پرداخته است، البته همان‌گونه که در بحث لغوی بیان شد، لغت‌پژوهان بین باب افعال و تفعل ماده «نزل» تفاوتی این‌گونه قائل نشده‌اند. در منابع احتجاج قراءات همچنین توجیهی در اختیار



یک وجه قرائی مطرح نشده است.

در آیه ۱۲۴ سوره آل عمران هم کسانی که مشدد خوانده‌اند، مبنایشان باب تفعل است که دلالت بر تکرار و تکثیر دارد (ابن خالویه، الحجة فی القراءات السبع، ۱۴۱۳ ق: ۱/۱۱۳). علت اختلاف قرائت در آیه ۱۱۴ سوره انعام هم مانند سوره مائده است. ابن عامر و حفص «مُنَزَّلٌ» با تشدید قرائت کرده‌اند (محیمد، تهذیب کنز المعانی بشرح حرز المعانی، ۲۰۰۲ م: ۲۱۳). واژه «مُنَزَّلٌ» با تشدید اسم مفعول از باب تفعل است. مستند قرائت مشهور آیات دیگر: «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جائیه/۲)؛ از قرآن کریم است که این واژه از باب تفعل قرائت شده است (ابوعلی فارسی، الحجة للقراء السبعة، ۱۴۰۴ ق: ۳/۳۸۷). سایر قراء «مُنَزَّلٌ» با تخفیف قرائت کرده‌اند (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۲/۱۹۷). قرائت «مُنَزَّلٌ» با تخفیف اسم مفعول از باب افعال است. طرفداران این وجه از قرائت، سیاق جملات را علت اختیار قرائت خود می‌دانند؛ زیرا در جمله قبل واژه «أَنْزَلَ» قرار گرفته که فعل ماضی از باب افعال است و در ادامه آیه نیز اگر «مُنَزَّلٌ» قرائت شود، اسم مفعول نیز از باب افعال خواهد بود و تناسب لفظی دو جمله رعایت می‌شود.

در بحث قرائت اسم فاعل و مفعول از ماده «نزل» این موضوع قابل تأمل است. در همه آیاتی که درون خود آیه فعل «نزل» از باب افعال به کار رفته است، در قرائت اسم فاعل یا مفعول ماده «نزل» درون همان آیه هیچ اختلافی نشده است و حتی ابن عامر هم به تخفیف خوانده است. در آیات «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ» (یس/۲۸)؛ و «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (مؤمنون/۲۹)؛ و «لَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ» (واقعه/۶۹)؛ هیچ گونه اختلاف قرائتی گزارش نشده است.

بنابراین ابن عامر تمام مواردی که اسم فاعل یا مفعول ماده «نزل» انتساب به خداوند متعال داشته یا دلالت بر تکثیر و مداومت و تکرار داشته، به صورت مشدد قرائت کرده است. درحالی که ابوعمر و بصری، حمزه و کسایی در نقطه مقابل ابن عامر قرار دارند و در همه این موارد، فعل را به صورت تخفیف قرائت کرده‌اند.

در بحث قرائت فعل از ماده «نزل» ابن عامر همه موارد فعلی را به صورت مشدد قرائت نموده است درحالی که سایر قراء هفت گانه بین فعل مضارع و ماضی اختلاف گذاشته‌اند. نافع مدنی همه افعال مضارع را مانند ابن عامر به صورت مشدد قرائت کرده است. ابوعمر و برخلاف نافع و ابن عامر همه موارد فعل مضارع را به تخفیف خوانده است، مگر آیه شریفه: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ

مَعْلُومٌ (حجر/۲۱)؛ و ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (انعام/۳۷)؛ که به صورت مشدد خوانده است. ابن کثیر در قرائت همه موارد فعل مضارع مانند ابوعمر و عمل کرده است و همه را به تخفیف خوانده است، مگر آیات: ﴿وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ (حجر/۲۱)؛ و ﴿أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِزَيْكِكَ حَتَّى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا نَبْرًا رَسُولًا﴾ (اسراء/۹۳)؛ و ﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ (اسراء/۸۲)؛ که به صورت مشدد خوانده است (دمیاطی، احتاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعة عشر، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۸۷).

حمزه و کسایی همه موارد فعل مضارع را به صورت مشدد خوانده اند، مگر آیه شریفه: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنْزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَىْ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (لقمان/۳۴)؛ و ﴿وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (شوری/۲۸)؛ که به تخفیف قرائت کرده اند (ابن خالویه، الحجة فی القراءات السبع، ۱۴۱۳ق: ۱/۸۵). در مورد قرائت عاصم با وجودی که بین دو راوی اختلاف وجود دارد، اما در فعل مضارع مانند ابن عامر همه را مشدد قرائت کرده است. در باب فعل ماضی هم بین قاریان اختلاف زیادی است. ابن عامر همه را مشدد خوانده است. ابوعمر و نیز در باب فعل ماضی همه را مشدد خوانده است، مگر آیه شریفه: ﴿نُزِّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ (شعراء/۱۹۳) را به صورت تخفیف قرائت کرده است. ابن کثیر برخلاف ابوعمر و همه را به تخفیف خوانده است، مگر آیه شریفه ﴿نُزِّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ (شعراء/۱۹۳)؛ را که به تشدید خوانده است. حمزه و کسایی همه افعال ماضی را مشدد خوانده اند؛ اما نافع اگر فعل ماضی با الف شروع نشده باشد و فعل از صیغه مذکر باشد، با تخفیف خوانده است، وگرنه با تشدید قرائت کرده است (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۹۸۸م: ۱/۱۶۵). حفص، راوی عاصم در باب فعل ماضی آیه شریفه ﴿نُزِّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ و ﴿وَمَا نَزَّلَ مِنَ الْحَقِّ﴾ در کل قرآن را مخفف خوانده است، در حالی که شعبه برعکس حفص تنها این دو مورد را در کل قرآن به تشدید خوانده است.

این که چرا در سوره شعراء آیه ۱۹۳ اختلاف است، باید گفت: قرائت مشهور آیه «نَزَّلَ» بدون تشدید است (قمحاوی، طلائع البشر فی توجیه القراءات العشر، ۱۴۲۷ق: ۱۵۰). در قرائت مشهور «الرُّوحُ الْأَمِينُ» فاعل و باء، برای تعدیه است؛ یعنی جبرئیل آن را آورد. طرفداران قرائت مشهور به آیات ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ﴾ (نحل/۱۰۲) و ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْحَبْرِ لَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (بقره/۹۷) استناد می کنند که جبرئیل فاعل است (ابن زنجله، حجة القراءات، ۱۴۰۲ق: ۵۲۰). ابن



عامر، حمزه و کسای و شعبه «نَزَلَ» با تشدید و نصب «الرُّوحُ الْأَمِينُ» خوانده‌اند (دانی، جامع البیان فی القرائات السبع المشهورة، ۲۰۰۵م، ص ۶۵۱). در این وجه، فاعل «الله» و جبرئیل مفعول به است؛ یعنی خداوند متعال قرآن را بر جبرئیل نازل کرد. طرفداران این وجه می‌گویند: قرائت «نَزَلَ» هماهنگ با سیاق آیات است؛ زیرا در آیه قبل می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۹۲)؛ و «تنزیل» مصدر «نَزَلَ» است و اگر فعل «نَزَلَ» مشدد قرائت شود، هماهنگ با واژه «تنزیل» و «رَبِّ الْعَالَمِينَ» خواهد بود (ابن خالویه، الحجة فی القراءات السبع، ۱۴۱۳ ق: ۲/۲۶۸).

از دیدگاه منابع احتجاج قراءات که رویکردی ظاهری به موضوع سیاق داشته و آن را در چارچوب الفاظ می‌بینند، قرائت با تشدید هماهنگ با سیاق آیات است؛ اما بررسی آیات ۱۹۲ تا ۱۹۴ که پیرامون نزول قرآن است، نشان می‌دهد، در اولین آیه خداوند متعال به این حقیقت که قرآن نازل شده از جانب پروردگار است، اشاره می‌نماید؛ سپس در ادامه، طریق نزول آن را مطرح می‌کند که از طریق فرشته وحی انجام می‌گیرد: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ - عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ» با توجه به کلمه «عَلَى قَلْبِكَ» قرائت مشهور هماهنگ با سیاق است؛ زیرا معنای قرائت با تشدید، این است که خداوند متعال قرآن را بر جبرئیل نازل کرد و این معنا با واژه «عَلَى قَلْبِكَ» که در ابتدای آیه بعد آمده است و با آیه قبل ارتباط معنایی دارد، سازگار نیست. بنابراین در بیشتر مواردی که اختلاف در قرائت واژه نزل به صورت مشدد و تخفیف وجود دارد، به خوبی نشان می‌دهد که اجتهاد قاریان نقش زیادی در ایجاد اختلاف قرائت داشته است. ابن عامر برخلاف سایر قراء، در قرائت ماده «نزل» هیچ استثنایی ندارد و در همه موارد که این ماده به صورت ماضی، مضارع یا اسم فاعل و مفعول به کاررفته، مشدد قرائت کرده است. تمامی اختلافات موجود را می‌توان در قالب جدول زیر نشان داد.

ماده نزل	نافع	ابن کثیر	ابوعمر و	حمزه و کسای	ابن عامر	عاصم به روایت شعبه	عاصم به روایت حفص
فعل مضارع مضارع	فعل مضارع با «یا» تا «نون» همه را با تشدید قرائت کرده	در کل قرآن با تخفیف مگر حجر/۲۱؛ اسرا/۲۸-	همه تخفیف مگر انعام و حجر.	همه مشدد مگر در لقمان و شوری.	مشدد	مشدد	مشدد

					۹۳.	است.	
مانده و انعام مشدد	فقط مانده ۱۱۵ مشدد	مشدد	تخفیف	تخفیف	مانده، انعام و آل عمران با تخفیف.	همه تخفیف، فقط مانده ۱۱۵ مشدد.	اسم فاعل یا مفعول
نزل به روح الامین و نزل به الحق تخفیف.	نزل به الحق و نزل به روح الامین مشدد	مشدد	مشدد	همه مشدد مگر در نزل به روح الامین، تخفیف.	شعرا/۱۹۳ مخفف؛ و ما نزل من الحق مشدد.	شعراء/۱۹۳ ؛ حلید/۱۶ با تخفیف	فعل ماضی

در یک مقایسه بین قرائت قاریان می توان گفت:

در فعل مضارع نافع و ابن عامر و شعبه از عاصم همه را به صورت مشدد خوانده اند. حمزه و کسایی هم همه را مشدد خوانده اند، مگر در دو مورد که به تخفیف خوانده اند؛ اما ابن کثیر و ابوعمر و به جز دو مورد بقیه موارد را به تخفیف خوانده اند. بنابراین در قرائت فعل مضارع بین قاریان قرآن کریم ناهمبستگی زیادی دیده می شود.

در قرائت اسم فاعل و مفعول این ماده می توان نوعی نظم را بین قاریان مشاهده کرد. ابوعمر و، حمزه و کسایی همه موارد اسمی را به صورت تخفیف خوانده اند، در حالی که ابن عامر همه موارد اسمی را به صورت مشدد خوانده است. نافع و عاصم نیز بیشتر موارد را به تخفیف خوانده اند، برخلاف ابن کثیر که بیشتر موارد به تشدید خوانده است.

در قرائت فعل ماضی هم بی نظمی و عدم هماهنگی در قرائت دیده می شود که حمزه، کسایی و ابن عامر همه را به صورت مشدد خوانده اند.

بنا بر آنچه در قرائت این ماده بیان شد، می توان به این نتیجه رسید که ابن عامر در قرائت ماده «نزل» مبنایی را داشته است که بر اساس آن مبنای همه را به صورت مشدد خوانده است و در برخی موارد کاملاً قرائت او با سایر قراء سبعه در تقابل است و وی قرائتی منحصر به فرد دارد. در قرائت اسم فاعل و مفعول ماده «نزل» این مسئله به خوبی مشهود است که قرائت به تخفیف قرائت اکثر قراء است؛ اما ابن عامر کاملاً در تضاد با این وجه قرائتی پیش رفته است و همه را به صورت مشدد قرائت کرده است. در باب افعال اختلاف بر سر چند آیه بیش از سایر آیات است. به نظر می رسد، توجه به ماقبل یا مابعد آیات



یکی از دلایل اصلی ایجاد اختلاف قرائت بوده است. می‌توان در بیان مبنای ابن‌عامر گفت: مبنا و اساس ابن‌عامر برای اختیار وجه مشدد، به معنای لغوی باز می‌گردد که ابن‌عامر قائل به تفاوت معنا بین «نزل» و «نَزَلَ» است و ماده «نزل» به تشدید را دلالت بر تکثیر می‌داند، بنابراین در آیاتی که دال بر تکثیر است، قرائت مشدد را اختیار کرده است و در هیچ موردی از این قاعده تخطی نکرده است.

۵. تحلیل آراء لغت‌پژوهان، قاریان و مفسران قرآن کریم

مطالعه و بررسی منابع دانش لغت روشن می‌کند، بیشتر لغت‌پژوهان فعل مجرد «نزل» و مزید «أَنْزَلَ» و «نَزَلَ» را به یک معنا می‌دانند. برای اولین بار جوهری بین این دو واژه تفاوت قائل شده است و پس از آن به تأسی از جوهری، افرادی چون ابن‌منظور و زبیدی تفاوت این دو واژه را در کتب خود ذکر کرده و معتقدند، «نَزَلَ» به تشدید دلالت بر تکرار و تکثیر دارد. ابن‌منظور در بیان ماده «نزل» به قول قاری قرآن کریم ابوعمر و اشاره کرده است که سیبویه نقل می‌کند، ابوعمر و بین تشدید و تخفیف این ماده تفاوت گذاشته است. این مسئله بر ارتباط بین قراءات و دانش لغت دلالت دارد. قابل ذکر است که ابوعمر و در قرن دوم بین ماده «نزل» به تخفیف و تشدید تفاوت قائل شده است، در حالی که ابن‌منظور برای اولین بار قرن‌ها بعد به ذکر این تفاوت اشاره می‌کند. بر این اساس می‌توان این فرضیه را عنوان کرد که تحلیل قرائت قاریان خود موضوعی بوده که برخی از صاحبان معاجم لغوی به آن توجه داشته و بر اساس آن به بیان تفاوت واژگان و معانی آن‌ها می‌پرداختند. البته اثبات این فرضیه زمانی است که قرائت قاریان قرآن کریم در آیات مشابه دیگر همچون قرائت فعل «نزل» تحلیل شده و با آراء لغت‌پژوهان مورد مقایسه و ارزیابی قرار گیرد.

در هیچ یک از معاجم لغوی در بیان تفاوت دو فعل «نَزَلَ» و «نَزَّلَ» به اشعار یا سخنان عرب جاهلی استناد نشده است. با توجه به استناد اشخاصی چون ابن‌منظور، زبیدی و ... به آیات قرآن کریم تصور می‌شود، نحوه قرائت قاریان قرآن کریم در برخی از آیات قرآن بر آراء و اظهارات لغت‌پژوهان تأثیر داشته است و آنچه را که قاریان در قرائت این ماده مبنا قرار داده‌اند، در منابع لغوی هم مطرح شده است.

در تحلیل قرائت قراء هفت‌گانه در ماده «نزل» به تخفیف و تشدید به نظر می‌رسد، ابن‌عامر از قاریانی است که مبنا دارد و همه موارد اسمی و فعلی این ماده را چون در قرآن کریم دلالت بر تعظیم، تکرار، تدریج و مداومت دارد، به صورت مشدد خوانده است. به نظر می‌رسد، پس از وی ابوعمر و هم دارای مبنا و قاعده‌ای خاص بوده است؛ زیرا در اسم فاعل و مفعول همه را به تخفیف خوانده است. وی

در فعل مضارع هم اصل تخفیف را رعایت کرده است، مگر در دو آیه سوره انعام و حجر که به صورت مشدد خوانده است. در فعل ماضی همه را به صورت مشدد قرائت کرده است، مگر آیه شریفه «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء/۱۹۳)؛ که به صورت مخفف خوانده است.

حال باید دید علت ابوعمر و در قرائت متفاوت این سه مورد چیست؟ در بحث قرائت «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء/۱۹۳)؛ علت قرائت به تخفیف ابوعمر و به معنای آیه شریفه بازمی گردد. ابوعمر و معتقد است، در اینجا جبرئیل است که قرآن را بر محمد نازل می نماید؛ یعنی «أَنْزَلَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» پس به صورت مخفف خوانده است؛ زیرا فعل نیاز به یک مفعول دارد و از باب مجرد باید قرائت شود؛ اما کسانی که با تشدید خوانده اند، فاعل را خداوند دانسته اند و روح الامین را هم مفعول به دوم؛ یعنی «نَزَلَ اللَّهُ الرُّوحَ الْأَمِينُ، وهو جبریل، بالقرآن علی قلبک» (ازهری، معانی القراءات، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۲۳۰)؛ بنابراین فعل از باب تفعیل باید قرائت گردد.

در علت قرائت آیه شریفه «وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (انعام/۳۷)؛ به وجه مشدد همچون ابوعمر و تمامی افعال ماضی در قرآن را به وجه مشدد خوانده است، وی با قرائت «يُنْزَلُ» با تشدید خواسته است، بین فعل ماضی «لَوْلَا نُزِّلَ» و فعل مضارع تناسب برقرار باشد و هر دو بر وزن باب فاعیل خوانده شده تا هماهنگی بین سؤال و جواب وجود داشته باشد؛ اما قرائت ابوعمر و به تشدید در آیه شریفه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر/۲۱)؛ مطابق با قرائت همه قاریان است که فعل «ننزل» در این آیه را به وجه مشدد خوانده اند؛ زیرا شکی نیست که این آیه دلالت بر مداومت و کثرت دارد: «لَا تَأْتِي شَيْءٌ بَعْدَ شَيْءٍ فَكَأَنَّهُ لَمَّا تَرَدَدَ وَطَالَ نُزُولُهُ شَدِيدَةً لَتَرَدَدَةٍ» (ابن زنجله، حجة القراءات، ۱۴۰۲: ۱/ ۱۰۶). بنابراین ابوعمر و هم به صورت مشدد خوانده است. پس ابوعمر و نیز در قرائت ماده «نزل» اعتقاد به تفاوت معنای ماده «نزل» و «أنزل» داشته است، در عین حال که هماهنگی با سیاق را هم مدنظر داشته است.

نتیجه

یکی از موارد قرائی که در تحقیقات و پژوهش ها دیده نمی شود، مقایسه قرائت قاریان کریم در آیات مشابه است که این موضوع می تواند قرائت قاریان را با هم مقایسه و میزان تفاوت قرائت را به نمایش بگذارد. در قرائت ماده «نزل» به تخفیف و تشدید بین قاریان تفاوت های بسیاری وجود دارد. ابن عامر این ماده را در همه جای قرآن به صورت مشدد خوانده است؛ اما دیگر قاریان یکسان عمل نکرده اند.



آن‌ها در برخی موارد به تخفیف و در برخی موارد به تشدید قرائت کرده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که قرائت ابن‌عامر در این ماده با قرائت سایر قراء تفاوت داشته است، به گونه‌ای که می‌توان قرائت او را با تکیه بر اصولی خاص دانست؛ زیرا قرائتش تابع مبنایی خاص است که این مبنا در دیگر قراء یافت نمی‌شود. به نظر می‌رسد، ابوعمر و هم تا حدودی از یک قاعده‌ای خاص پیروی نکرده است. در قرائت این ماده کسایی و حمزه از کوفه کاملاً یکسان برخورد کرده و قرائت آن‌ها هیچ تفاوتی ندارد و در همه موارد قرائتشان به تخفیف یا تشدید با هم قابل انطباق است.

تفاوت زیاد قرائت قاریان هفت‌گانه در ماده «نزل» به خوبی نشان می‌دهد که قراء در خوانش خود اختیاراتی داشته‌اند. بررسی ماده «نزل» نشان می‌دهد، قرائت ابوعمر و در کوفه و قرائت ابن‌عامر در شام دارای تقابلی هستند که شاید علت آن خوانش و لهجه هم بتواند باشد. به‌رحال قرائت ابن‌عامر الگوی منظمی در قرائت به تخفیف و تشدید دارد که در سایر قراء این الگو را نمی‌توان دید.

منابع

١. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمدعلی، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ١٣٨٣ ش.
٢. ابن ابی مریم، نصر بن علی، الموضح فی وجوه القراءات وعللها، تحقیق: عمر حمدان الکبیس، منشورات ام القرى، مکه: ١٤١٤ ق.
٣. ابن اثیر، مجد الدین، النهاية فی غریب الحديث والأثر، تحقیق: طاهر احمد الراوی و محمود محمد الطناحي، دار احیاء الکتب العربیه لعیسی البابي، الحلب: ١٣٦٧.
٤. ابن جزری، محمد بن محمد، تحبیر التیسیر فی قراءات الأئمة العشرة، تصحیح: جماعتی از علماء، دارالکتب العلمیه، بیروت: ١٤٠٤ ق.
٥. — النشر فی القراءات العشر، تحقیق: علی محمد الضباع، دارالکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
٦. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی، ١٤٢٢ ق.
٧. ابن خالویه، حسین بن احمد، الحجة فی القراءات السبع، تحقیق: عبدالعال سالم مکرم، مؤسسه الرسالة، بیروت: چاپ دوم، ١٤٢١ ق.
٨. — اعراب القراءات السبع وعللها، تحقیق: عبدالرحمن العثیمین، مكتبة الخانجي، قاهره: ١٤١٣ ق.
٩. ابن دُرید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، ترتیب و تصحیح: عادل عبدالرحمن بدوی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ١٤٢٦ ق.
١٠. ابن زنجله، عبدالرحمن بن محمد، حجة القراءات، مؤسسه الرساله، بیروت: ١٤٠٢ ق.
١١. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، دارالکتب العلمیه، بیروت: ١٤٢١ ق.
١٢. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دار الجیل، بیروت: ١٤٢٠ ق.
١٣. ابن مجاهد، ابوبکر احمد بن موسی، السبعة فی القراءات، تحقیق: شوقی ضیف، دارالمعارف، مصر: چاپ سوم، ١٩٨٨ م.
١٤. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: چاپ چهارم، ١٤١٤ ق.



۱۵. ابوعلی فارسی، حسن بن احمد، الحجة للقراء السبعة، تحقیق: بدرالدین القهوجی و شبیر جویجانی، دارالمأمون للتراث، دمشق: ۱۴۰۴ق.
۱۶. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله، معجم الفروق اللغویة، مؤسسه النشر الإسلامی، قم: ۱۴۲۱ق.
۱۷. ازهری، ابومنصور، تهذیب اللغة، تحقیق: عبدالسلام هارون، دار العلم، القاهرة: ۱۹۶۷م.
۱۸. ازهری، محمد بن احمد، معانی القراءات، تحقیق: عید مصطفی درویش و عوض بن حمد القوزی، منشورات محمد علی بیضون- دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۴ق.
۱۹. أسترباذی، محمد بن الحسن، شرح شافیه ابن الحاجب، تحقیق: محمد نور الحسن و سایرون، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۸۲م.
۲۰. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۵ق.
۲۱. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۲۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل واسرار التأویل، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸هـ.
۲۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت: چاپ چهارم، بی تا.
۲۴. حسینی زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۵. دانی، ابوعمر، جامع البیان فی القراءات السبع المشهورة، تحقیق: محمد صدوق الجزائری، دارالکتب العلمیة - منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۲۰۰۵م.
۲۶. دمیاطی، شهاب الدین، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعة عشر، تحقیق: شعبان محمد اسماعیل، عالم الکتب، بیروت: ۱۴۰۷ق.
۲۷. راغب اصفهانی، محمدحسین، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت: ۱۴۱۲ق.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغة، تحقیق: عبدالرحیم محمود، دارالمعرفة، بیروت: بی تا.
۲۹. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی جا، بی نا، بی تا.

٣٠. صاحب بن عباد، اسماعيل، المحيط في اللغة، تحقيق: محمد حسن آل ياسين، عالم الكتب، بيروت: ١٤١٤ق.
٣١. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه، قم: ١٤١٧ق.
٣٢. طريحي، فخر الدين محمد، مجمع البحرين، كتاب فروشي مرتضوي، تهران: چاپ سوم، ١٤٠٨ق.
٣٣. فراهيدي، خليل بن أحمد، العين، تحقيق: مهدي المخزومي وإبراهيم السامرائي، دار الهجرة، طهران: چاپ دوم، ١٤٠٩ق.
٣٤. فيومي، احمد بن محمد بن علي، المصباح المنير، مطبعة الاميري، بي جا: ١٤١٤ق.
٣٥. قمحاوي، محمدصادق، طلائع البشر في توجيه القراءات العشر، دارالعقيدة، مصر: ١٤٢٧ق.
٣٦. محيمد، ياسين جاسم، تهذيب كنز المعاني بشرح حرز المعاني، دار احياء تراث العربي، بيروت: ٢٠٠٢م.
٣٧. مظهري، محمد ثناء الله، تفسير المظهري، مكتبة الرشدية، باكستان: ١٤١٢ق.
٣٨. مكى بن ابى طالب، محمد، الكشف عن وجوه القراءات السبع وعللها وحججها، تحقيق: محيى الدين رمضان، مؤسسه الرسالة، بيروت: چاپ سوم، ١٤٠٤ق.
٣٩. نووي، محمد بن عمر، مراح لبيد لكشف معانى القرآن المجيد، دارالكتب العلميه، بيروت: ١٤١٧ق.



References

۱. Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵. Ibn Sayegh & Ya'ish Ben Ali. Sharh Al-Mufasssal. Cairo: Moniriyyah print management. Dar al-Sader.
۲. Abu Ali Farisi, Hassan bin Ahmad, (۱۴۰۴ AH), Al-Hujjah lil Qurra' al-Saba'h [A Debate on the Seven Recitations], Researched by Badr al-Din al-Qahuji & Shubbeir Joweijani, 1st Edition, Damascus: Dar al-Ma'mun Li Turath.
۳. Abu Hilal Askari, Hassan bin Abdullah, (۱۴۲۱ AH), Mujam al-Furuq al-Lughah [Dictionary of Linguistic Differences], Qom: Muassasah al-Nashr al-Islami.
۴. Alusi, Seyyed Mahmood, (۱۴۱۵ AH), Rooh al-Ma'ani fi Tafsr al-Quran al-Azeem [The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an], Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilamiyyah.
۵. Astrabadi, Muhammad bin al-Hassan, (۱۹۸۲), Sharh [Commentary on] al-Shafiyah Ibn al-Hajib; Researched by Muhammad Noor al-Hassan & et.al.; Beirut; Dar Al-Kutub Al-Ilamiyyah.
۶. Azhari, Abu Mansoor; (۱۹۶۷); Tahzib al-Lughah [Refining of Language]; Researched by Abd al-Salam Haroon, Cairo, Dar al-Ilm.
۷. Azhari, Muhammad bin Ahmad, (۱۴۱۴ AH), Ma'ani al-Qira'at [The Meanings of the Recitations], Researched bi Eid Mustafa Darwish & Dr. Awd bin Hamad al-Qawzi, Beirut: Munshurat Muhammad Ali Bayzun - Dar al-Kutub al-Ilamiyyah.
۸. Baghavi, Hossein bin Maso'ud, (۱۴۲۰ AH), Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Quran [The Path Marks of Revelation in the Interpretation of Quran], Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
۹. Beizawi, Abdullah bin Umar, (۱۴۱۸ AH), Anwar Al-Tanzil aa Asrar al-Tawil [The Lights of Revelation and Secrets of Hermeneutics], Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
۱۰. Damiaty, Shahab al-Din (۱۴۰۷ AH), Ithaf Fuzala al-Bashar fi al-Qira'at al-Arba'ah Ashar [The Presentation of Noble Persons about the Fourteen Recitations], Researched by Dr. Sha'ban Muhammad Isma'il, Beirut: Alam al-Kutub.

١١. Dani, Abu Amr, (٢٠٠٥), Jame 'al-Bayan fi al-Qira'at al-Sab'ah al-Mashhurah [A Comprehensive Explanation of Seven Famous Recitations], Researched by Muhammad Saduq al-Jazairi, ١st Edition, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilamiyyah - Munshurat Muhammad Ali Bayzun.
١٢. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (١٤٠٩ AH), Al-Ain, Researched by Dr. Mahdi al-Makhzoomi & Dr. Ibrahim al-Samarai, ٢nd Edition, Tehran: Dar Al-Hijrah.
١٣. Fayoumy, Ahmad bin Muhammad bin Ali, (١٤١٤ AH), Misbah al-Munir, Amiriyah Press.
١٤. Hosseini Zubeidi, Murtaza, (١٤١٤ AH), Taj al-Urus min Jawahir al-Qamus [The Crown of the Bride from the Jewel of the Dictionaries], Beirut: Dar al-Fikr, ٢nd Edition.
١٥. Ibn Abi Maryam, Nasr bin Ali, (١٤١٤ AH), Al-Muwazzih fi Wujuh al-Qira'at wa Ilaliha [An Explanation of the Aspects of Recitations and their Reasons], Researched Dr. Umar Hamdan al-Kabisi, Mecca: Umm al-Qura Publications.
١٦. Ibn Athir, Majd al-Din, (١٣٦٧), Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar [A Final Research Concerning the Unknown Hadith and Narration], Researched by Tahir Ahmad al-Ravi & Mahmoud Muhammad Al-Tanahi, ١st Edition: Dar al-Ihya al-Kutub al-Arabiyyah Li Esa al-Babi al-Halabi.
١٧. Ibn Dureid, Muhammad bin Hassan, (١٤٢٦ AH), Jamharah al-Lughah [Lexicon on Arabic Words], Presented and Edited by Adil Abd al-Rahman Badavi, Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.
١٨. Ibn Faris, Ahmad, (١٤٢٠ AH), Mujaḥ al-Maqais al-Lughah [Analogical Templates of Language], Researched by Abd al-Salam Muhammad Harun, Beirut: Dar al-Jeila.
١٩. Ibn Jawzi, Abdul Rahman bi Ali, (١٤٢٢ AH), Zad al-Masir fi Ilam al-Tafsir [Provision on the Way of the Science of Interpretation], Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
٢٠. Ibn Jazri, Muhammad bin Muhammad, (١٤٠٤ AH), Tahbir al-Taisir fi al-Qira'at al-Aimah al-Asharah [An Adorn Debate for Simplification of the Ten Imams of Recitations], Edited by a Group of Scholars, ١st Edition, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
٢١. Ibn Jazri, Muhammad bin Muhammad, (n.d.), Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr [A Research



- about the Ten Recitations], Researched by Ali Muhammad al-Dhaba', Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
۲۲. Ibn Khalawaih, Hussein bin Ahmad, (۱۴۱۳ AH), Irab al-Qira'at al-Saba'h [The Irab of Seven Recitations and Their Reasons], Researched by Dr. Abd al-Rahman al-Uthaymein, ۱st Edition, Cairo: Al-Khanji Publications.
۲۳. Ibn Khalawaih, Hussein bin Ahmad, (۱۴۲۱ AH), Al-Hujjah fi al-Qira'at al-Saba'h [A Debate on the Seven Recitations], Rsearche by Dr. Abdul A'l Salim Mukarram, ۲nd Edition, Beirut: Dar al-Risalah.
۲۴. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram, (۱۴۱۴ AH), Lisan al-Arab [Arabic Language / Tongue of Arabs], ۴th Edition, Beirut: Dar Sadir.
۲۵. Ibn Mujahid, Abu Bakr Ahmad bin Musa, (۱۹۸۸), Al-Sab'ah fi al-Qira'at [The Seven Recitations], Researched by Dr. Shawqi Zeif, ۳rd Edition, Egypt: Dar al-Ma'arif.
۲۶. Ibn Seyyedah, Ali bin Isma'il, (۱۴۲۱ AH), Al-Muhkam wa al-Muhit al-Azam [A Strong and Comprehensive Debate], Researched by Abd al-Hamid Hindavi, Beirut: Dar Al-Kutub al-Ilmiyyah.
۲۷. Ibn Zanjalah, Abd al-Rahman bin Muhammad (۱۴۰۲ AH), Hujjah al-Qira'at [The Argument of Recitations], ۱st Edition, Beirut: Muassasah Al-Risalah.
۲۸. Jawhari, Ismail bin Hammad, (n.d.), Al-Sihah [The Most Correct Meanings of Words], Researched by Ahmad Abd al-Ghafoor Attar, ۴th Edition, Beirut: Dar El Ilm Lilmalayin.
۲۹. Makki bin Abi Talib, Muhammad, (۱۴۰۴ AH), Al-Kashf an Wujuh al-Qira'at al-Sab' wa Ilaliha wa Hujajiha [Discovering the Facets of the Seven Recitations and their Reasons and Arguments], Researched by Dr. Mohi al-Din Ramadan, ۳rd Edition, Beirut: Muassasah al-Risalah.
۳۰. Mazhari, Muhammad Sanawullah, (۱۴۱۲ AH), Tafsir [The Exegesis of] al-Mazhari, Pakistan: Maktabah al-Rashadiyyah.
۳۱. Moheimad, Yasin Jasim, (۲۰۰۲), Tahzib Kanz al-Ma'ani Bi Sharh al-Hirz al-Ma'ani [Purification of Treasury of Meanings by the Commentary on Ornament of Meanings], ۱st Edition, Beirut: Dar al-Ihya Turath al-Arabi

٣٢. Novi, Muhammad bin Umar, (١٤١٧ AH), Mirah Labid li Kashf Ma'ani al-Quran al-Majid [A Sintering Exuberance for Discovering the Meanings of the Holy Quran], Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
٣٣. Qamhavi, Muhammad Sadiq, (١٤٢٧ AH), Talaie' al-Bashar fi Tawtih al-Qira'at al-Ashar [The Preliminary Knowledge of Human-beings Concerning the Justification of the Ten Recitations], ١st Edition, Egypt: Dar al-Aqeedah.
٣٤. Raghibb Esfahani, Muhammad Hossein, (١٤١٢ AH), Mufradat Alfaz al-Quran [Dictionary of Quranic Words], Beirut: Dar al-Qalam.
٣٥. Sahib bin Ibad, Isma'il, (١٤١٤ AH), al-Muhit fi al-Lughah [A Comprehensive Book on Language], Researched by Muhammad Hassan Al-Yasin, Beirut: Alam al-Kutub.
٣٦. Samarqandi, Nasr bin Muhammad ibn Ahmad (n.d.), Bahr al-Ulum [The Ocean of Sciences], n.p. n.l.
٣٧. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, (١٤١٧ AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Quran [Al-Mizan on the Interpretation of Quran], Qom: Qom Seminarian Teachers Association Office.
٣٨. Tureihi, Fakhr al-Din Muhammad, (١٤٠٨ AH), Majma-ul-Bahrain [The Confluence of the Two Seas / The Mingling of the Two Oceans], ٣rd Edition, Tehran: Murtazavi Bookshop.
٣٩. Zamakhshari, Mahmood bin Umar, (n.d.), Asas al-Balaghah [Basis of Rhetoric], Researched by Abd al-Rahim Mahmood, Beirut: Dar al-Ma'rifah.